



۲۰۱۷/۱۱/۱۹



جلیل غنی هروی

برادر ارجمندم جناب نوری آزادی!

گرچه وقتاً فوقتاً نوشته و نظریات هموطنان دانشمندانم را خوانده و تعقیب میکنم ولی منباب احتیاط و دور از مشاجرات - کمتر دست بقلم میبرم زیرا کاسهٔ نشرات ما متأسفانه آنقدر بتناسب آتش ما داغ تر است که بعضاً دست نه که آبرو را میسوزاند .

ولی حال باز هم به پاس حرمت بشما و اما ملحوظات نظریات تان؛ که بنابر تجربهٔ عملی و حیاتی این مو سفید بیچاره - که بسیار کم بنیاد و آفاقی و کم تر عمق نگر به نظرم آمد و ب جناب خود کم توجه!! می خواهم چند نکتهٔ به نظرم؛ ببرد خور را به شما عرضه دارم که امید وارم با من همونوا بوده و آزوده نشوید :

۱- خوب توجه کنید که موقف بغرنج تر و شرایط تیره تر بی وطنی ما و شما ها - با // فرار از وطن // آنهم از ظلم غداران و متجاوزین بریز نیفیان نامرد دورو - تا تبعید تحمیلی خاندان آل یحی به امر غدارانه و اودر زادگی امیر عبدالرحمن معاش خور انگلیس - تا کدام حد - از زمین تا آسمان فرق دارد!!

۲- فامیل آل یحی بسر زمین همجواریکه در همان زمان و الحال - جمعیت مسلمانش / بدون در نظر داشت پاکستان و بنگله دیش / بالاتر از دو برابر نفوس افغانستان فعلی ماست / - جبراً تبعید ابدی و با تاریک بودن آینده / مانند مرحوم امیر محمد یعقوب خان و اهل و بیتش / آنهم در چنگال انگلیس خونخوار! مجبور به تر وطن شدند و لی ما و شما خوش برضا و کلا نگهداری خودها!!

۳- لنگرو وزن نظر تان را نه آنقدر تخمین کنید که خود برایش قایلید و بلکه آنرا از دید امروز یک بی وطن مهاجر بار دوش یک کشور اروپایی نا مسلمانی که از نام اسلام نفرت دارند و همه ما و شما را چه پاک با دانش و فضیلت باشیم و یا نه! / تروریست می شمارند / که بر آل بیخی چنین حکمی نبود! / و افتخار هم می فروشند که به ما و شما یک لقمه نان و تریشهٔ سر پناه داده اند که از بینی بالا هم با ایشان گپ زده نمی توانیم و دیپورت می شویم .

۴- باز هم اگر فرادهای بوطن خود بر گردیدیم بکدام رو و اندوخته علمی و انتخارات بی دانشی که همین حالا بصورت عموم نسل آیندهٔ غرب نشین ما / اعم از اروپا و یا امریکای شمالی و جنوبی / - بعضاً میانه سالها و اکثریت نوجوانان و و بخصوص اطفال صغیر ما مایهٔ ننگ و شرم ما و شما پنداشته میشوند - زیرا نه تنها در السنهٔ مادری خود بیسواد اند و بلکه اصلاً آنرا خود ما فرزندان ما بفراموشی سپره ایم!! که خاندان آل یحی با باز گشت بوطن بصورت مطلق - بگفتهٔ مردم ما - در بین همه افراد مقیم در وطن کرج بند تر و دانشمند تر از مقیمان دائمی بوده اند و مجهز با دانش و چند لسان!! ولی مهاجرین نازنین برگشته ما از پنج قاره با داخل شدن بوطن توبره بر زمین میزنند - و از دولت چور شدهٔ بینوای لیلو پیوند مفلس خوشال گدای گر ما نان و آب و سر پناه و هر چه در جهان است میخوانند که بدین صورت روز وطن ما عید است و شب ما برات! و ما و شما هم چک چک چی!

۵- برادرم - وقتیکه خاندان آل یحی و نادر را غدار میخوانیم - در حالیکه سلطنت کلکانی نهاد معارف را از ریشه خشکانده بود و قرن فرنی جا نشینش و خزینهٔ دولت بخاک!! ولی اما این نادر غدار نبود که اولین مرتبه در تاریخ افغانستان کهن!! بنیاد پوهنتون و شفاخانهٔ بزرگ و سناتوریم معالجه توبر کلوز را بر زمین علی آباد ملکیت شخص خود و پوهنتو عسکری را در بالا حصار تاریخی بنیاد نهاد؟؟

پس نظم امنیتی را که امروز / با قدرت ۲۷ کشور / خواب و خیال است و طالب و مطلوب بادار ما - و ایتهم به نظر شما هیچ - پس این را بهتر از دور نادر غدار می شمارید!! که در آن زمان چطور در ظرف چند ماه همه امور را مهار کردند .

پس اگر فراداها سالطانعلی کثتمند و دستگیر پنجشیریها و چوکره های شان از همان لندن معلوم الحال - و رفیق!! حبیب منگل ها با جمعیت ۶۰ هزار نفری از مسکو دوست جانا جانی ما و شما!! که یک مثال دکاتر شرق معلوم

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکني دليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

الحال مبین آن است * و اروپا نشین های سر بهوا ی هیچ میدان و کمپ مهاجر نشین بخور و نمیر - بر شانه همین ملت گشته گدا و حکومت لیلو پیوند بریزند - موقف ما و شما / بهر رنگی ؟ / بد تر از نادر غدار نخواهد بود؟؟

۶- برادرم من در آغاز سلطنت نادر غدار!؟؟! ۲ ساله بوده ام ولی در آغاز صدارت داود خان شهید ی / که بعد ها لرزه بر اندام بریژنیف لعین انداخته و در اخیر هم جز به خالق خود تسلیم نمی شد و با همه خورد و بزرگ خود تو سطر زر خریدار روس قتل عام شدند !؟؟!! / با فراغت از پوهنهی حقوق و علوم سیاسی در سال ۱۳۳۴ ش مامور وزارت امور خارجه شدم در حالی که هیچ یک از شش نفر معرفی شده ما از ریاست پوهنتون بوزارت امور خارجه - بجز ملحوظ درجه تحصیل - حتی محمد زائی هم نبودیم و اما زمانیکه در سال ۱۹۸۲ با اقامت مؤقت در فرانسه - و قبل از حرکت بطرف امریکا - بیاس شناخت و احترام دور ماموریتیم به مرحوم اعلیحضرت محمد ظاهر شاه - در ۱۵ اگست ۱۹۸۲ برای دو روز عازم روم شدم و قرار شد که در منزل دختر شان محترمه شاهدخت بلقیس بدیدن شان برسم :

۱۰ دقیقه بعد از ما - اعلیحضرت با سرویس شهری و قسماً پیاده ! در حالی تشریف آوردند که کلمه اول شان بعد از تعارفات / البته بدون دست بوسی که من در تمام حیاتم جز دست پدر مرحوم دستی را نبوسیده ام ! / معذرت خواهی بود که مرا در اپارتمان کوچک یک اطاق خوابی خود که علیا حضرت ملکه حمیرا شدیداً مریض و زمین گیر است / نتوانستند بپذیرند و گفتند که خودم هم برای تعارف توان جای و مهمانداری را ندارم.

ولی هموطن عزیز ! مردم هرچه گویند و ولی صبیبه شان گفت - که در آغاز شاه ایران میخواست با کمک پولی و خرید منزلی بنام پدرم - حتی دعوت بسفر ایران کردند که ممکن از راه هرات دوبار بر کابل و وسیله فرار شاطران مسکو شوند ولی شخص شاه حتی ملاقاتت با سفیر ایران را نپذیرفتند و سپس سفیر عربستان ! که باز هم داماد شان جنرال عبدالولی او را دید و بالمجوریه که چون تمام دارائی شخص نقدی شاه در روم فقط ۷ هزار دالر جیب شان بود و ۱۸ سر عایله ! و منزلگاه شان موقتاً اپارتمان مجانی بزرگ دوکتور اسکلیتی ایتا لوی که زمانی دست معیوب شده شانرا در کابل معالجه کرده بود و اعزاز سلطنتی دیده بود !! و اما افغان بی آبرو/ سید ما - سید مسعود پوهنیار - پسر مرحوم میر سید قاسم خان که در اخیر و بیصدا برده حفیظ الله امیت و روس شده بود - اما قبلاً در وزارت خارجه او را بالکه سردار محمد نعیم خان و هم صنفی و چشم و چراغ شهید نور احمد اعتمادی و عضو کابینه اش و باز شخص سوم امور سیاسی دولت جمهوری - بعد از شخص داودخان رئیس جمهور و شهید سید وحید عبدالله معین سیاسی و سر پرست وزارت امور - - خارجه و منشی مجلس عالی وزرا - بحیث معین اداری وزارت خارجه میشناختیم- دفعتاً در وزارت خارجه امین رو گردان و سر خیل خوبان! و سفیر روم شد و اولین فعالیتش این بود که با خیانتی کامل راساً همه پاسپورتهای سیاسی خاندان سلطنت را قهرماً از نزد شان گرفته و نامه رسمی دولت خود به امضای تره کی را که بعد از این از تابعیت افغانستان طرد شده اند برای شان داد. و دو جلد کتابی هم به نشر رساند که ثبوت مشهود جنایتش باشد !

جناب نوری آزادی به نظر مبارک شما - ولو که خاندان آل یحی غدار بود - عمل سید ما و پسر پیر صاحب چه مینامید ؟؟؟؟؟؟؟

هموطن ! بادی بود و بارانی آمد و روس دم قَر قَره کرد و گریخت ولی دیدید که خداوند افتخار شهادت را به داود خان و حتی اطفال صغیرش داد و تره بازی و امین دورانی ها و کارغل سازیها که به تناسب من که با هم در دوران پوهنتون بودیم و شما هیچ یک شانرا نمیشنا سید ! رسوائی های شان چنان جهان شمول شد که هیچ بدفاع و حتی به یادی از آن تاریخ زده ها نمی ارزد.

هموطنم ازین کلیله و دمنه نوشتنم خسته نشوید - ولی به یک عرض عاجزانه ام گوش کنید که اگر کسی و یا اثری و یا اشاره بشما بگوید که بینی تانرا پشک برد لطفاً پشت پشک ندوید و اولتر از همه به بینی تان دست بزنید که پشیمانی سودی نخواهد داشت و اگر خودم عرضی بیشما داشته ام همه فقط و فقط چشم دید عینی خودم است نه دنبال پشک دویدن . با سلام بشما

تمام

نوری صاحب بسیار معظم ! اگر این بیچاره بی وطن بجای شما میبودم تا بر گشتن بخاک توده افغانیت بصورت دائم - هرگز کلمه مقدس آزادی را پس وند نام خود نه می ساختم

د پانوی شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

د پانډو شمېره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلېکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ